

استغاثه یعنی چه و ضرورت استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) چیست؟

بررسی مفهوم باطنی استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)

به کمک خواستن مضطرانه در زمان بلا و گرفتاری استغاثه می‌گویند. تفاوت استغاثه با دعا و توسل معمولی آن است که هر طلب و درخواستی را دعا می‌گویند، اما استغاثه فقط در حال فشار و سختی صورت می‌گیرد. از مهم‌ترین مشخصات استغاثه بی‌قراری، سوز و اضطراب است. استغاثه‌های زیادی با منظوره‌های مختلف صورت می‌گیرد، اما استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) از ضروری‌ترین استغاثه‌های دوران بی‌امامی است. از مهم‌ترین صفات امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) مغیث به معنای فریادرس است، که در دعای فرج و زیارت آل یاسین هم به آن اشاره شده است. در مورد استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و استغاثه امام‌خواهی به درگاه خدا، نماز و زیارت مخصوصی سفارش شده است، اما لازم است بدانیم استغاثه طلب فرج فقط محدود به این شیوه نیست؛ هر جا دلی لرزید و قلبی به اضطراب افتاد، وقت استغاثه و پناه بردن به درگاه خدا برای طلب فرج امام است.

• اصلاً استغاثه امام‌خواهی یعنی چه؟

• شکل صحیح و حقیقی استغاثه به امام چگونه است؟

• دلایل بی‌توجهی و غفلت ما نسبت به موضوع سرنوشت‌ساز استغاثه چیست؟

• آیا وجود شرایط ظاهری و باطنی خاصی در استجاب و تأثیر استغاثه امام‌خواهی مؤثر است؟

اگرچه رمز فرج امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در استغاثه قلبی و مضطرانه به درگاه خداوند است، اما لازم است بدانیم خود استغاثه دارای شرایط و آدابی است، که در صورت عمل و تمرین آنها می‌توانیم به اجابت استغاثه نزدیک شویم. در طول تاریخ استغاثه‌های فراوانی صورت گرفته، که خداوند معجزات عجیبی در پاسخ طلب آنها رقم زده است. استغاثه قوم بنی‌اسرائیل به خدا برای فرستادن منجی و نجات از ظلم فرعون، از نمونه‌های بارز این مسئله است.

اهمیت و چرایی استغاثه در طلب امام

کنترل دنیا از دست دنیاداران خارج شده و هر روز دارد بدتر می‌شود؛ علت این بحران هم غیبت امام متخصص و معصوم است. غیبت امام مثل ویروسی خطرناک و گشوده است، که تمام بخش‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار داده و هیچ عرصه‌ای از حیات انسانی از شر آن در امان نمانده است؛ مثلاً در عرصه اقتصاد جهانی، میلیاردها انسان که حتی امنیت تأمین غذا ندارند و جنگ‌های بی‌شماری که بر سر مسائل اقتصادی به راه افتاده است، گواه این مسئله هستند. فقر و مشکلات مالی همه را تحت فشار قرار داده و نگرانی‌های جدی ایجاد کرده است.

بیماری‌های جسمی دردناکی که افراد را خسته و مستأصل کرده، بیماری‌های جدی روانی و فکری که انسان‌ها را به هزاران آسیب نگران‌کننده روحی کشانده است، همه از نبود امام نشأت می‌گیرند. انسان‌هایی که قرار بود، علت آرامش و حال خوب یکدیگر باشند، به جان یکدیگر افتاده و عامل تولید حال بد همدیگر شده‌اند. طلاق، کینه، اختلاف، جدل و رقابت‌های بی‌ثمر به روابط اجتماعی ما غلبه کرده و ما را به اضطراب و غم دچار کرده است.

بداخلاقی و امراض اخلاقی به جان افراد ریشه کرده و جای شرافت و جنایت تغییر کرده است. اگر ما عاقل باشیم، به جای هرس شاخه‌ها به درمان ریشه می‌پردازیم. ریشه تمام این مشکلات، نبود امام است. با ظهور امام، دیگر فقر و مشکلات معنایی ندارد. در دولت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بیماری وجود ندارد، هرگونه اختلاف، طلاق و درگیری برطرف می‌شود. با آمدن امام دیگر مشکل جهل و نادانی وجود ندارد و ایشان تمام علم را در اختیار بشر قرار می‌دهند.

البته تمام مواردی که گفتیم، مربوط به بخش‌های پایین‌تر وجود ما و متعلق به گرفتاری‌های دنیایی و زمینی ماست. مهم‌ترین بخش وجود ما که در دولت امام توان رشد و شکوفایی پیدا می‌کند، بخش انسانی و الهی وجود ماست. در دولت کریمه امام اصالت از بخش‌های پایینی وجود برداشته شده و تمام موازین و قوانین بر اساس رشد و باروری بخش انسانی وجود ما خواهد بود. انسان‌ها از دام تعاریف غلط رها شده و دیگر

حیوان ناطق^۱ یا موجودی اجتماعی^۲ نخواهند بود، دیگر با جنسیت^۳ و یا موقعیت اجتماعی^۴ تعریف نمی‌شوند؛ بلکه موجودی جاودان و الهی خواهند بود که قرار است در زمین به توانایی‌هایی برای زندگی آرام و شاد به وسعت بی‌نهایت دست پیدا کنند. امکان رسیدن به مقام خلیفة‌اللہی در دولت کریمه امام برای همه انسان‌ها فراهم می‌شود و انسان به جایگاه حقیقی خود خواهد رسید.

امام تنها متخصص معصومی است که به تمامی اطلاعات مورد نیاز انسان برای زندگی انسانی دسترسی دارد و این علم را تنها می‌توان از ایشان آموخت، اما قدم اول در امام خواهی شناخت جایگاه خود به عنوان یک انسان و شناخت امام به عنوان متخصص انسان شدن است.

ما می‌دانیم اگر دنیا زیر پرچم حاکمیت امام متخصص و معصوم برود، تمام مشکلات به شیرین‌ترین شکل حل می‌شوند؛ اما تا زمانی که دایره مشکلات در ذهن ما به مشکلات مادی و اجتماعی خلاصه می‌شود، هیچ گاه امیدمان از سایر انسان‌ها قطع نخواهد شد. فهم این نکته که بزرگ‌ترین مشکل در زندگی یک انسان همان نبود امام و نداشتن امکان استفاده از حضور متخصص معصوم است، اولین قدم در امام خواهی است و همان اولین دیواری است که برای رسیدن به طلب امام باید از سر راه برداریم.

استغاثه به معنای درخواست مضطرانه برای طلب امام تنها می‌تواند از نفس درمانده ناتوانی صادر شود که نبود امام جان به لبش کرده و از پناه بردن به تمامی چاره‌های دنیایی به بیچارگی رسیده است. در غیر این صورت استغاثه ما هم حقیقی نخواهد بود و به اجابت نخواهد رسید.

ما پیوسته در حال تبدیل شدن هستیم، اما اینکه مسیر ما به سمت کمال و رشد یا سکون و سقوط است، بستگی زیادی به الگو و راهنمایی دارد که شبیه شدن به او را برای خود انتخاب کرده‌ایم. با گذشتن هر لحظه از عمرمان فرایند شدن ما در حال انجام است و به مقصد نهایی خود نزدیک‌تر می‌شویم. رسیدن به هدف خلقت کاملاً بستگی به این دارد که ما جایگاه انسانی خود را بشناسیم، مسیر حرکت خود را بدانیم و

^۱ انسان حیوان ناطق است (ارسطو)

^۲ جوامع انسانی از طریق مبارزه‌های طبقاتی پیش می‌روند (کارل مارکس)

^۳ هویت جنسی افراد بسته به جنس متفاوت است (جان مانی)

^۴ نظم اجتماعی نوین (دروکهم)

برای خود راهنما و الگوی مناسبی در نظر بگیریم. بدانیم که خلیفه خدا بر روی زمین هستیم و هدفمان کسب اسماء و صفات الهی است و تنها شباهت با امام است که می‌تواند ما را به این هدف نزدیک کند. شباهت با امام یا متخصص معصوم وقتی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم امام تنها الگویی است که تجلی‌دهنده تمام اسماء و صفات الهی است. باقی الگوها یا تجلی محدودی دارند و یا اصلاً الگوی بعد انسانی و فوق عقلانی ما نیستند. ما حتی در زندگی دنیایی هم هنگام کسب هر مهارتی، به دنبال شبیه شدن به ماهرترین و متخصص‌ترین فرد در آن زمینه می‌گردیم. پس طبیعی است که برای کامل شدن و رشد کردن، در بخش انسانی وجودمان هم به دنبال الگویی کامل باشیم. برای رسیدن به مقصد و هدف خلقتمان شباهت با امام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین الگو بهترین انتخاب ممکن است.

قرن‌هاست امام منتظرند، تا ما احتیاج به امام را از دریچه بعد انسانی وجودمان درک کنیم و نکرده‌ایم. طولانی شدن غیبت به این دلیل است، که میلیون‌ها نفر در این فرصت طولانی بتوانند خود را به خیمه حضرت برسانند، اما این فرصت رو به اتمام است و ما در لحظات طلایی بین‌الطلوعین ظهور هستیم. لشگری از شهدای بزرگ تاریخ و ملائک مقرب خدا به همراه امام در دوران ظهور بازمی‌گردند، امام در دولت کریمه نیازی به ما ندارند. آن روز نیازی به حضور ما نیست و ما امروز فرصت ثبت‌نام در لشگر ایشان را داریم. تغییر و تحول در فضای بعد ظهور که فضای انقلاب قلب‌هاست، هنر خاصی نیست.

مهم‌ترین مسئله آن است که امروز به درک و استیصال نبود امام و احتیاج به ایشان برسیم، سپس فریاد استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و ضجه امام‌خواهی را به درگاه خدا بلند کنیم، تا خداوند با فرستادن منجی ما را از این تاریکی بلعنده نجات دهد.

دلایل بی‌توجهی و غفلت از استغاثه

اینکه امروز از اثرات اعجاب‌انگیز استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و استغاثه امام‌خواهی بی‌نصیب مانده‌ایم، دلایل مختلفی دارد، که لازم است هر کدام از این دلایل را در خودمان جستجو کنیم:

جهل نسبت به مقام امام

اگر ما مقام امام را بشناسیم و از نقش کلیدی ایشان در تربیت تمام ابعاد وجودی‌مان باخبر باشیم، شوق و اضطراب بیشتری برای ظهور ایشان خواهیم داشت. اغلب اوقات چون ما امام را فقط شخصی خوب و مهربان می‌دانیم، از نقش هدایتی و تدبیری ایشان بر کل عالم و قدرت حاکمیت جهانی ایشان غافلیم. این موضوع باعث شده که نقش نجات‌دهندگی ایشان را قلباً باور نداشته باشیم و به قدرتهای خارق‌العاده ایشان احساس نیاز نکنیم، به همین دلیل هم اضطرابی برای استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و طلب فرج ایشان در ما ایجاد نمی‌شود.

قناعت به محبتی سطحی و شعارگونه

از جمله پرتکرارترین کش و قوس‌ها بین عشاق در طول تاریخ، مربوط به ماجرای اثبات عشق حقیقی و عشق دروغین آنهاست. بیایید چند سؤال ساده و روزمره را مرور کنیم؛ اگر ما عزیزی را گم کرده باشیم، حال ما چطور است؟ اگر فرزندان چند ساعت دیرتر به خانه برگردد، چه حالی پیدا می‌کنیم؟ اگر گوشی موبایل‌مان را جایی جا گذاشته باشیم، چقدر مضطرب می‌شویم؟ آیا حلقه ازدواج‌تان را گم کرده‌اید، که ببینید چقدر غمگین می‌شوید؟

انگار ما ناخواسته شعارهای عاشقانه‌مان برای امام را باور کرده‌ایم و دل‌مان را به «لیبک یا مهدی» های بی‌ثمر خوش کرده‌ایم، درحالی‌که روزانه چند مرتبه هم به یاد ایشان نمی‌افتیم. درحالی‌که خود امام در وصف ما فرمودند، شیعیان ما را به اندازه لیوانی آب هم نمی‌خواهند، وگرنه دعا می‌کردند و فرج ما می‌رسید^۵. اگر ما قلباً عاشق امام باشیم، برای رفاقت با ایشان وقت می‌گذاریم و با یاد ایشان عشق‌بازی می‌کنیم. ما با امام غریبه‌ایم و باید تمرین‌های مهمی در طول روز برای کسب محبت ایشان انجام بدهیم، تا به مرور دل‌مان را به یاد ایشان نرم و مأنوس کنیم. ما روزانه باید با ایشان سلام و مکالمه داشته باشیم، تا به مرور آثار دل‌تنگی و نیاز در ما ایجاد شود و به استغاثه بیفتیم.

نهادندی، علی اکبر، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، قم: انتشارات پیام مقدس، ۱۳۸۴، چاپ اول^۵

نداشتن شباهت و سنخیت با امام

براده‌های آهن جذب آهن‌ربا می‌شوند و عاشق جذب معشوق می‌شود. از مهم‌ترین رموز دل‌تنگی و بی‌تابی برای امام، شباهت و سنخیت با ایشان است. اگر می‌بینیم اضطراب و احتیاجی در ما نسبت به ایشان احساس نمی‌شود، علت را در عدم تطبیق صفات اخلاقی و احوال فضای قلب‌مان در مقایسه با ایشان پیدا کنیم.

نداشتن شناخت کافی از اثرات و نتایج استغاثه

بارها پیش آمده مصرف دارویی شفا بخش را به دلیل تلخی و نداشتن اطلاعات در مورد اثراتش پس زده‌ایم. کفایت مطمئن باشیم، که اقدامی می‌تواند برای ما مثل اکسیر زمان عمل کند و ما را سال‌ها جلو بیاورد، اینجاست که دیگر وقت را تلف نکرده و به راحتی از آن نمی‌گذریم. بلای غفلت و بی‌توجهی به استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و استغاثه طلب امام هم از این دست کم‌معرفتی‌هاست.

در طول تاریخ معجزه‌های عجیبی می‌بینیم، که خداوند چه الطاف خاصی در جواب استغاثه به مردم عطا کرده است. عطای فرزند به حضرت زکریا (علیه‌السلام)، امداد رسانی به مسلمانان در جنگ بدر، نجات حضرات نوح و ابراهیم و لوط (علیهم‌السلام) از دست منحرفان، پیروزی پیامبران و مؤمنان در بلاها، رفع گرفتاری، شفای بیماری، نجات حضرت یونس (علیه‌السلام)، رهایی خاندان حضرت نوح (علیه‌السلام) و هلاکت مخالفانش نمونه‌هایی از استغاثه پیامبران و نجات آنها توسط خداوند است.

اینطور نیست که خدا فقط به استغاثه انبیاء و اولیاء پاسخ دهد، بلکه هر قومی با اضطراب و اخلاص به خداوند پناه ببرند، خدا خواهش آنها را بی‌جواب نمی‌گذارد. آورده‌اند که قوم بنی‌اسرائیل سال‌ها به دلیل تنبیه خداوند تحت فشار و اختناق فرعون بودند، عرصه به آنها تنگ شد و دیگر توان تحمل آن شرایط را نداشتند. آنها مضطر شدند و ۴۰ روز به درگاه خدا استغاثه کردند. بنی‌اسرائیل آنقدر دعا کردند و نالیدند، تا خداوند به آنها رحم کرد و از ۴۰۰ سال عذاب وعده داده شده به دلیل نافرمانی‌شان ۱۷۰ سال را بخشید. سپس حضرت موسی (علیه‌السلام) را برای نجات آنها فرستاد و فرج منجی برای آنها رقم خورد.

در این مسئله نتیجه را ایمان به غیب و یقین قلبی به تأثیر و اعجاز استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و طلب فرج امام مشخص می‌کند. این باور ریشه در توحید افراد دارد و هر قدر به صفت مغیث خدا ایمان داشته باشیم، معجزه‌های این پناه بردن را می‌بینیم.

بی‌وفایی شیعیان

از ابتدایی‌ترین ویژگی‌های انسانی جبران محبت دیگران و وفاداری است. در ساده‌ترین آداب معاشرت اجتماعی هم بین افراد اصولی زیبا برقرار است. مثل همسایه‌ای که پیاله آش همسایه را با شکلات پر کرده و برمی‌گرداند، تا جبران محبت کرده باشد. شاید ما برای مشکل کسی که روزی لبخندی به ما زده باشد، قلباً دعا می‌کنیم، اما چرا از استغاثه برای فرج امامی که تمام زندگی ما با دعا و مدیریت ایشان می‌چرخد، غافلیم؟

روزانه صدها بلا و خطر از بیخ گوش ما می‌گذرد، بدون آنکه بدانیم آنها را دعای امام از ما دفع کرده است؛ اما کدام استغاثه و دعای عاجزانه از ما به ایشان رسیده است؟ یکی از گناهان وقیحانه ما برای هلاکت‌مان کافی بود، اما هرگز نفهمیده‌ایم که استغفارها و اشک‌های امام برای ما به فریادمان رسیده و عذاب را از ما برداشته است. اما کدام اشک استغاثه ما مانعی از مسیر ظهور ایشان برداشت؟ امام با هر غم و بیماری ما غصه خوردند و درد کشیدند، اما کدام آه جان‌سوز ما به عرش رسید و ثانیه‌ای از غیبت و غربت ایشان را کم کرد؟ از صد سلام روزانه ایشان چند سلام را علیک گفتیم و چند ندای مددخواهی ایشان را لیبیک گفتیم؟ پذیرفتن درد، بخش عمده درمان است. شاید پذیرش بی‌وفایی‌مان و تأیید آن توسط خودمان قدم مهمی برای شروع جبران آن باشد.

مشغله‌های فراوان دنیایی

گاهی دلیل نداشتن استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) صرفاً گناهان و عدم شناخت ما نیست. متأسفانه ما دور و برمان را خیلی شلوغ کرده‌ایم و توان مدیریت درست این مشغله‌ها و قدرت تشخیص اولویت‌ها را نداریم. ما استغاثه به امام را دوست داریم و به آن معتقدیم، اما لابه‌لای مشغله‌ها و گرفتاری‌ها آن را گم

کرده‌ایم. دلیل اینکه با وجود میلیون‌ها شیعه امام شیعیان به چنین وضعی دچارند، آن است که ما همیشه وقت نداریم. هر مسئله ریز و درشتی در زندگی برای ما از استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و تلاش برای آوردن ایشان ضروری‌تر است. آنقدر مشغله‌های ما زیاد است، که نمی‌توانیم روی این موضوع تمرکز کنیم. ما با خودمان قهر و غریبه‌ایم، نمی‌توانیم با خودمان ارتباط بگیریم و از خودمان فرار می‌کنیم، به همین دلیل قدرت استغاثه از ما گرفته شده است.

مهندسی اولویت‌ها

از شروط تأیید حضور در خیمه و سپاه امام، مهندسی درست اولویت‌ها توسط شخص منتظر است. زهیر با امام حسین (علیه‌السلام) مخالف بود و از ایشان فرار می‌کرد، اما وقتی توسط امام توجیه شد، عاشق شد و به خیمه برگشت، مدیریت برنامه‌ها و مهندسی اولویت‌های زهیر تغییر کرد و او دیگر تمام برنامه‌ریزی‌هایش را بر اساس زندگی در خیمه امام انجام می‌داد و تمام کارهایش را با برنامه‌های امام تنظیم می‌کرد. فهم و پذیرش اولویت‌ها همان نکته‌ای است، که انسان را تا مقام محمود رشد می‌دهد. اغلب برنامه‌ریزی‌های شخصی ما نمی‌گذارند به امام برسیم. ما باید بیاموزیم که باید حتی از کارهای مقدسی که ما را از امام دور می‌کنند، صرف نظر کنیم، تا استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) را درک کرده و بتوانیم به اضطرار امام‌خواهی و امام‌داری برسیم.

شرایط ظاهری استغاثه

در استجاب استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و درجه اثرگذاری آن عوامل مختلفی مؤثرند؛ اگر مایلیم استغاثه‌ای صحیح و با آداب درست داشته باشیم، باید اصول آن را بشناسیم و خود را به آن مقید کنیم:

اضطراب و سوز دل

اگر بگوییم از مهم‌ترین اصول و آداب استغاثه [اضطراب](#) و سوزدل و بی‌قراری است، بی‌راه نگفته‌ایم. احتمالاً شما هم ضجه‌های نزدیکان مریضی بدحال را پشت در اتاق عمل دیده‌اید، یا از اضطراب و بی‌قراری مادری که فرزندش را گم کرده، شنیده‌اید.

استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) هم فرهنگ و آداب خاص خود را دارد. اگر با هیبتی رسمی و اتوکشیده زیر لب زمزمه «لبیک یا مهدی» زمزمه کنیم، استغاثه نکرده‌ایم. ما باید مثل کسی که شفای مریضی لاعلاج فرزندش را می‌خواهد، یا مثل کسی که پدرش را در بیابانی نامعلوم گم کرده است، به زاری و بی‌قراری دعا کنیم، تا نظر رحمت خدا را برای فرج امام جلب کنیم.

اگر حضرت به استغاثه و دعا سفارش می‌کنند، منظورشان دعای مضطرانه و عملیاتی است. شرط تأثیر و استجاب استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) و طلب ظهور ایشان، دعای مضطرانه و دردمندانه است. ما باید با غیرت و عاطفه طلب امام را فریاد بزنییم و خدا آوارگی و بیچارگی را در ما ببیند، تا به ما رحم کند و نجات‌مان بدهد.

دوری و برائت از سیره دشمنان امام

ممکن نیست در جبهه باطل بوده و به هر شکلی سیاهی لشکر دشمنان امام باشیم، اما ادعای استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) داشته باشیم. اگر با هر رفتاری، کلام، نوشتار و حتی تکان سر به تأیید و حمایت دشمنان اسلام و انقلاب پردازیم، چگونه می‌توانیم استغاثه درستی برای امامی داشته باشیم، که آواره کینه و دشمنی همین افراد است. چطور ممکن است سبک زندگی، سلیقه، علایق، انتخاب‌ها، ارتباطات و افکار ما شبیه دشمنان اسلام باشد و ما بتوانیم قلباً برای فرج امام استغاثه کنیم؟

در کربلا هم افراد بسیاری در سپاه ابن‌مرجانه بودند و کاری نکردند، اما چون سیاهی لشکر جبهه شرک بودند و امثال شمر به پشتوانه حضور آنها جرئت امام‌کشی پیدا کردند، ملعون تاریخ شدند. یا افراد بسیاری در سپاه امام در صفین بودند، اما به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وفادار نبودند و ثابت قدم نماندند.

هم‌دلی و وفاداری در جبهه حق

از شرایط بسیار مهم استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) هم‌دلی، اتحاد و وفاداری بین استغاثه‌کنندگان است. همان اندازه که دشمنی و عناد با مخالفان امام مهم است، یک‌دل و متحد بودن افراد در جبهه حق و اجتماع استغاثه‌کنندگان هم سرنوشت‌ساز است. امام در جمعی که قلب‌های آنها با هم یکی نباشد، وارد نمی‌شوند و به دعای بدون معرفت آنها هم احتیاجی ندارند.

امام در [نامه به شیخ مفید](#) هم شرط ظهور را وفاداری و هم‌دلی در اجتماع شیعیان اعلام کردند. منتظر کسی است، که هم خودش با امام آشتی می‌کند و هم دیگران را با امام آشتی می‌دهد.

حضور جهادی در جبهه حق

قرن‌ها پیش معجزه حضرت موسی (علیه‌السلام) دریا را شکافت، اما در آخرالزمان قرار است، کار خداوند بدون معجزه و توسط مؤمنین انجام شود. در قرآن نصیحت مهمی برای انسان وجود دارد، خداوند می‌فرماید، اگر شرایط قیام و جهاد جمعی در راه خدا برایتان فراهم نیست، تنها یا حتی دونفره برای خدا قیام کنید.^۶

قبل از ظهور [فراغتی در کار نیست](#) و از کاری فارغ نشده، باید مشغول کار بعدی شوی.^۷ تمام انبیاء با طاغوت درگیر بوده‌اند و در طول تاریخ هیچ پیامبر تنبلی نداشته‌ایم. استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در صورتی به ثمر می‌نشیند، که باطل به وسیله جبهه حق و جهادگرنش ضعیف و نابود شود. این اتفاق ناگهانی رخ نمی‌دهد و جبهه حق باید قدرتش را در تمام زمینه‌ها زیاد کند. امام می‌خواهند با اصحاب وفادار و مقتدری از خود مردم حاکمیت را پیش ببرند.

قیمت هرکس به اندازه تعصب بی‌چشم‌داشت او روی سازمان‌دهی دولت کریمه است. ما نمی‌توانیم برای تشکیل دولت کریمه و استغاثه امام‌خواهی منتظر کسی بمانیم، حتی اگر مجبور به قیام فردی یا دونفره شویم؛ البته به شرط وجود اکسیر اعظمی به نام سوز و دلهره در قلب.

قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ وَمَنْ يُؤَدِّ الْعَسْكَرَ يَأْتِيهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ / آیه ۶
فَإِذَا فَرَعْتَ فَاصْبِرْ / الشرح / آیه ۷

شرایط باطنی استغاثه

اگر قلبی جایگاه امام نباشد، نمی‌تواند استغاثه‌ای شایسته برای آمدن امام داشته باشد. ما زمانی می‌توانیم امام را بخواهیم و ایشان را ببینیم، که حضور و غیاب امام برای ما یکی باشد. شیوه همسرداری، تربیت فرزند، خانه‌داری، روابط اجتماعی، دین‌داری و ارتباطات ما باید طوری باشد، که هر لحظه خود را در محضر امام ببینیم و امام را شاهد ماجرا بدانیم. کسی که حضور و غیاب امام برایش یکی شد، همه پرده‌ها برایش کنار می‌روند و یار و سردار امام می‌شود. این فرد دیگر معنای استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) را درک می‌کند و برای آن هر نوع هزینه‌ای تقبل می‌کند.

فقط کسی می‌تواند حقیقتاً اهل استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) شود، که اهل نصرت‌رسانی به امام باشد. هیچ نصرتی در عالم برای امام، بالاتر از خودسازی نیست. اگر می‌خواهیم کاری برای امام کنیم، پیش از استغاثه به ایشان تلاش کنیم، که غم از دل ایشان برداریم و مانعی از موانع ظهور ایشان را برطرف کنیم. نصرت امام یعنی امام برای سبک زندگی ما، شیوه ارتباطات خانوادگی و اجتماعی ما، مدیریت نادرست جنبه‌های حیوانی و دنیایی ما و بی‌توجهی به مراقبت از کودک عزیز روان ما دلهره‌ای نداشته باشند. اگر ما اهل خودسازی شویم، غل و زنجیر از دست و پای امام باز می‌شود و استغاثه ما هم سرنوشت‌ساز می‌شود. هرچقدر قلب ما کدر و پُر از قفل ردایل مختلف باشد، استجاب دعا فرج و استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) هم کم‌اثرتر است. خودسازی موضوع اصلی زندگی ما نیست، درحالی‌که ما برای همین کار به دنیا آمده‌ایم، اصلاً ظهور امام هم برای این امر مهم است. خودسازی، شرط ظهور و ثمربخشی استغاثه به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است.

در مسیر طهارت باطنی برای شباهت به امام، مقابله با هر گناه و رذیله و حذف آن می‌تواند قدمی ما را به استجاب استغاثه امام‌خواهی نزدیک کند. در این مسیر کسب هر صفت و فضیلت امام، ما را قدمی به مقام معیت امام و اجابت استغاثه نزدیک می‌کند.